

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۴ اگست ۲۰۲۱



یونس نگاه

جنگ پدران و فرزندان

از دستگیری اسماعیل خان و رفتار طالبان با او چه می‌آموزیم؟ برای اظهار نظر درین مورد، یک اتفاق تاریخی دیگر را یادآوری می‌کنم. در دهه سوم قرن نوزدهم (دور و بر ۱۸۲۵) بین نواسه‌ها و کواسه‌های احمدشاه ابدالی و رقیبان بارکزائی‌شان بر سر شاهی و شهزادگی نقاط مختلف افغانستان جنگ بود. در بخش‌هایی از کشور جنگ میان برادران و گاه میان پدران و فرزندان، و حتی پدرکلان‌ها و نواسه‌ها جریان داشت. شاه محمود پسر تیمورشاه درانی و برادر شاه شجاع در اواخر دوران‌شان در هرات به خاطر تصاحب قدرت آن شهر با پسرش کامران و نواسه‌اش جهانگیر جنگید. در جنگ بین آنان نقش جنگجویان حمایتی مشهد و حشری‌های ولایات همجوار تعیین کننده بود. در سال ۱۸۲۵ حسن علی میرزا والی مشهد در پاسخ به درخواست کمک شهزاده کامران محمد امین خان پازوکی را با پنجمصد سوار به هرات فرستاد و "شاه محمود با حشری که همراه داشت، روی بهسوی ولایات میمنه، مرغاب، بادغیس و غرjestان نهاد" و از آن ولایات چهار هزار سوار به‌دست آورده بالای هرات هجوم آورد. در نزدیکی‌های هرات، لشکر شهزاده کامران به سرکردگی فرزندش شهزاده جهانگیر علیه پدرکلان ایستاد. نواسه در برابر پدرکلان تاب نیاورد و در "راوند" دوم، شهزاده کامران از هرات بیرون شده "از راه قتال با پدرش مقابل گردیده، پس از کشتن و کوشش بسیار، شاه محمود هزیمت یافته راه فرار بر گرفت".

تا این وقت، شجاع‌السلطنه حسن علی میرزا از مشهد به کمک کامران وارد هرات شده بود و شهزاده کامران بعد از سرکوب پدر، شجاع‌السلطنه مشهد را به ازای یاری و نوازشش، "از راه مهمانی به شهر درآورده، کیلدهای شهر و خزینه را به نزدش گذاشت {تا هرچه خواست بردارد}." {آن‌طوری که امروز طالبان کلیده‌ها را به حامیان پاکستانی‌شان می‌گذارند}.

جنگ بین طالبان و مجاهدان شباهتهائی با جنگ شاه‌محمود و شهزاده کامران دارد. طالبان فرزندان مذهبی و سیاسی مجاهدین اند و از نظر فکری حتی زمانی که می‌جنگند احترام یکدیگر را حفظ می‌کنند. رهبران طالبان حتی از احمدشاه مسعود دشمن خونی سیاسی خود به دلیل رابطه فکری، به نیکی یاد می‌کردند و اسماعیل‌خان را برای بار دوم طالبان با احترام دستگیر کرده‌اند. خاطرات دور اول اسارت اسماعیل‌خان حاکی از برخورد نیک و محترمانه طالبان با اوست. آزادی‌اش از زندان طالبان نیز حاصل رابطه پدر-فرزندی فکری بین او و صفوف طالبان بود. طالبان نجیب را که مخالف فکری‌شان بود با بدرفتاری و شکنجه کشتند و با تمسخر و توهین جسدش را به تماشا گذاشتند. مزاری را که از فرقه مذهبی دیگر بود، شکنجه کرده کشتند ولی حداقل در ملاء عام به تماشا نگذاشتند و به کشتنش نیز مثل اعدام و شکنجه نجیب اعتراف نکردند بلکه برای کشتن او داستان ساختند و توجیه تراشیدند.

نزاع مجاهد و طالب لایه‌های قومی، سمتی، زبانی و گاه فکری-قشری نیز دارد. اما، مسأله اصلی میان آنان تفاوت دیدگاه سیاسی، حب وطن یکی و وطن‌فروشی دیگری، تجددطلبی یکی و ارتجاع دیگری نیست. مسأله نزاع برسر تیول، امارت، منابع مالی و قدرت است. اگر طالبان در جایگاه مجاهدین طرف اصلی معامله قدرت قرار گیرند، و نیروی دیگری {مثلاً داعش} آنان را با شعارهای ارتجاعی‌تر به نبرد فراخوانند، طالبان نیز برسر ارزش‌هایشان در بدل پرشدن جیب و تضمین امیری حاضر به سازش با خارجی‌ها خواهند شد. اما، در میان‌شان حتماً کسانی همدلی با هم‌کیشان معترض و حاضر در سنگر {داعش یا مجاهد} را حفظ خواهند کرد و با تمام نیرو علیه برادران خود مبارزه نخواهند کرد.

طالب و مجاهد را غیر از منافع مالی، اختلافات قومی و زبانی نیز در تقابل قرار می‌دهد، ولی مجاهد "واقعی و مؤمن" همیشه برای این مبارزه‌اش، توجیه دینی تراشیده و درگیر شک و تردید مذهبی می‌باشد. احتمالاً گاهی از مبارزه با طالب و ایستادن کنار نیروهای لیبرال و دمکرات احساس گناه کرده در خلوت توبه می‌کند و بعد از هر توبه با دیدن کیسه‌های پر، تشریفات و سوسه‌برانگیز و قدرت شیرین توبه شکسته با تردید معامله را ادامه می‌دهد اما در ته دل پدر ایمانی طالب باقی می‌ماند.

در نتیجه:

(۱) - مجاهدین درین بیست سال، از طریق مسجد، رسانه، مدرسه، مکتب و دانشگاه در نشر روایت‌های بینادگرایانه با طالبان رقابت داشتند و برای ساختن افغانستان امروز که پر از جوانان تندرو و جنگویان مذهبی است، از چوکی و پول جمهوری هزینه کردند.

(۲) - شهزاده کامران فرزند شاه‌محمود نیز برای سرکوب پدر از همسایگان کمک می‌گرفت، اما ریشه اصلی منازعه بین کامران و پدرش در مشهد نبود. امروز نیز ریشه‌های اصلی جنگ در راولپندی نیست، در داخل افغانستان است.

(۳) - شاه‌محمود نیز علیه پسرش شعارهایی برای بسیج مردم می‌داد و هزاران نفر حشری را از ولایات همجوار به هرات آورده بود ولی حشری‌ها در ته دل شان دلایل منازعه قدرت میان پدر و فرزند را می‌دانستند و به آسانی جبهه تغییر داده کامرانی یا محمودی می‌شدند. آن‌طور که امروز هزاران جنگجوی هراتی میان امارت و جمهوری سیال اند و به آسانی جبهه تغییر می‌دهند.

(۴) - نیروی ملی و دمکرات در صحنه جنگ نداریم. جبهه‌ها در اختیار برادران طالب و پدران مجاهد است. نتیجه جنگ، صلح، مذاکره و معامله با بیگانگان هرچه باشد دمکراتیک نخواهد بود. دولت و نظام آینده حاصل جمع پدران جهادی و فرزندان طالبی خواهد بود. گرم نبودن جبهه و عدم انگیزه برای دفاع از جمهوری نیز غیر از فساد و پوسیدگی نظام در بی‌انگیزگی فکری نهفته است.

۵) - اما دموکراسی خواهی خام و نچندان منسجم در سراسر افغانستان، در شهر و ده، نفوذ کرده است. هرگونه حکومتی اگر بسازند، نیروهای پراکنده ای خواهان تغییر و علاقمند به دموکراسی مثل آب در زیر کاه ارتجاع خواهند دوید، و حتی خانه‌ها و خانواده‌های طالبان و جهادیان را نیز فتح خواهند کرد؛ زیرا تقاضای زمان این است و حفظ اداره مرتجع در سرزمینی که مردمش به‌طور بی‌پیشینه و همه‌جانبه با جهان در ارتباط شده‌اند، مکتب و پوهنتون رفتن را دوست دارند، از لذت رفاه و صلح مستقیم یا غیر مستقیم مطلع گشته‌اند، برای دراز مدت ممکن نیست. برای آن وطن آزاد فردا کار کنیم و همت از دست ندهیم.